

در بیان موانع نکاح

اینکه توجهی به قسمت‌های دیگر آن داشته باشیم مقننین ایران نیز موانع نکاح و موارد آن را در فصل دوم و سوم از دو جلد اخیر قانون مدنی ایران که مبنی و منشاء آن نیز از حقوق اسلامی و بلکه میتوان گفت عین حقوق اسلامی است و همچنین از قوانین ازدواج و مجازات بطور خلاصه و فهرست بیان نموده اند که ما نیز بترتیب شرح و تفصیل هر یک از آنها مابیردازیم و از مطالعه کئمنندگان دانشمند هم تقاضی داریم که اولاً بانظر دقیق این مقاله را مطالعه نموده و ثانیاً اگر لغزشی ملاحظه کردند بانظر اغماض در آن نگر بسته و از خرده گیری صرف نظر فرمایند حال شروع بمنظور نموده میگوئیم:

موانع نکاح اصولاً بر دو قسم است:

قسم اول عبارت از موانعی است که فقط ضمانت اجرایی آن بطلان نکاح است.

قسم دوم موانعی است که موجب بطلان عقد نبوده تنها ضامن اجرای آن مجازات مرتکب است.

بعبارت اخیری قسم اول موانعی است که قوانین و مقررات آنها را اساساً مانع ازدواج شمرده و اگر کسی باین اعمال ممنوعه اقدام کرد قانون آن عقد را کان له یکن و باطل دانسته و هیچیک از آثار عقد قانونی را مترتب بر آن نمیداند و چون عقداً فاسد میدانند برای کسی هم که اقدام بانجام چنین عمل ممنوعی نموده مجازاتی هم در نظر نگرفته - فقط بطلان و فساد عقداً کتفا و قناعت کرده.

ولی قسم دوم موانعی است که اقدام بآن ها بطلان و فساد عقد ازدواج را بهیچوجه ایجاب نمیکند و باوجود اقدام بآن مانع - عقد ازدواج صحیح و درست بوده و تمام آثار قانونی ازدواج را میتوان از آن انتظار داشت - و چون اینگونه عقد ازدواج از نظر بطلان و فساد راهی برای محو آثار آن

پیشوایان حقوق اسلامی از نظر ازدیاد نسل بشری و بقاء نوع انسانی و جلوگیری از اضمحلال و نابود شدن آن و بالاخره برای صدها حکم و مصالح دیگر ازدواج را برای هر فردی از افراد سنت مؤکد دانسته و در ترغیب و تجریص زن و مرد بایمان و گرویدن باین ناموس طبیعی و سرغباتی ناکر نمود و مزایا و محسناتی را قائل شده و در فضائل و اوصاف آن هر یک بنوبه خود شرح و تفصیلی بیان کرده اند که عشری از آنها را نمیتوان در این مختصر گنجانید.

نتیجه هر یک از افراد بشری را مکلف ساخته اند که جفتی برای خود اختیار کرده و در اثر آن تشکیل خانواده داده و باین واسطه بدوام و بقاء جامعه بشریت هر یک در حدود و فراخور خود کمکی نمایند و در این باب گاهی گفته اند (مردهای بیزن و زنهای پیشوهر خود را و آزار باز ازدواج کنید و همچنین در ازدواج نیکو کاران از بندگان و بردگان و خدمتکاران خود اقدام نموده و ملاحظه عسرت و تنگ دستی آنها را ننمائید زیرا خداوند از فضل و واسع خود آنها را غنی و بی نیاز گرداند) و گاهی رئیس ملت اسلام است میگوید: (ازدواج کنید تا از دیاد نسل شود زیرا من بواسطه شما ملت اسلام بسایر امم مباهات و افتخار مینمایم) گاهی گفته اند (هر کس اقدام باز ازدواج کرد دلک دین خود را حفظ و نگاهداری نمود) ولی بخواسته که این نظر بطور مطلق انجام و بدون هیچگونه شرط و قیدی صورت گرفته باشد و هر کس بتواند با اراده خود و آزادانه بادیگری ولو هر که باشد ازدواج کند بلکه اولاً برای انجام عمل ازدواج تشریفات خاص قرارداده و بعلاوه افراد را از ازدواج با عده محروم و آن عده را از ازدواج بآنها ممنوع داشته است و امور براهم در این ضمن مانع ازدواج و نکاح قرار داده اند و منظور ما هم در این مقاله فقط بیان موانع نکاح و موارد آن است و بس بدون

اگر چه در قرابت حاصله از زنا و شبهه اقوال متعدد است ولی قانون مدنی ایران تنها قرابت نسبی حاصله از نسب صحیح را مؤثر در حرمت و مانعیت نکاح دانسته بلکه میگوید قرابت و اواینگه از نسب صحیح پیدا نشده و بلکه از زنا یا وطی شبهه نیز ایجاد شده باشد در واردینجگانه موجب مانعیت نکاح و حرمت آن خواهد بود .

بنا بر این اگر کسی با زنی مرتکب زنا گردید یا شبهه و اشتباه و بخیال اینکه آن زن زن خود او است با او نزدیکی نمود و از آن زن دختری بوجود آمد گرچه آن دختر با عقد ازدواج موجود نشده و از نسب صحیح فرزند او محسوب نمیشود ولی طبق نظر قانون مدنی ایران این دختر دختر آن مرد بشمار میرود و ازدواج او با این دختر حرام و ممنوع و محکوم به بطلان است گرچه ممکن است از آثار قانونی دیگر از حیث ارث و جهات دیگر قانون قرابتی در میان آنها منظور ننموده و این شخص را نسبت بآن دختر اجنبی و دختر را نسبت باو بیگانه محض فرض نمود .

از اقربای نسبی اصناف پنجگانه که ازدواج با آنها ممنوع است عبارت است از :

- ۱- مادران و جددها هر چه بالا بروند - پدران و جددها هر چه بالا بروند .
- ۲- پسران و دختران هر چه یا این بروند .
- ۳- خواهران و برادران و فرزندان آنها هر چه یا این بروند .
- ۴- عموها و عمه ها
- ۵- دائی ها و خاله ها

منشاء و مبنای حرمت ازدواج اصناف مزبوره آیه شریفه « حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم الخ » میباشد که تمام فقهاء اسلامی آنرا تبعیت و پیروی نموده و در تمام کتب فقهیه متعرض آن شده اند و یکی از دانشمندان هم آنها را بنظم عربی در آورده و میگوید « و حرمت بالنسب الامات - بنات الاخ والعمات - والاخوان بعدد البنات - کذابنات الاخت والخالات » و البته نظر آیه و نظم فوق بصنف از اصناف

نیست لذا مقنن برای کسانی که اقدام با تیان این موانع قسم دوم مینماید مجازاتی قائل شده که اشخاص بواسطه توجه بمجازات مزبوره بانجام آنها اقدام ننمایند .

موانع قسم اول و دوم هم هر يك بچند قسم تقسیم میشود بنابراین مقاله ما هم بدو بخش و هر بخش بچند بحث و هر بحث بچند فصل تقسیم میشود :

بخش اول

در بیان موانعی که فقط موجب بطلان عقد است (فصل سوم از کتاب هفتم قانون مدنی)

بحث اول

در بیان اقارب نسبی که ازدواج با آنها ممنوع است

فصل اول

در بیان معنی قرابت نسبی و اقسام اقارب نسبی قانون مدنی میگوید [نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد الخ] قرابت نسبی قرابتی است که ناشی از همخونی میشود و مراتب و درجات آن زیاد است و این قرابت ممکن است از خط مستقیم بوده و اشخاص بواسطه خط مستقیم صعودی (مثل قرابت اولاد با پدر و جد) یا در خط مستقیم نزولی (مثل قرابت پدر با فرزندان و نوکان خود) بیکدیگر نزدیک و باهمدیگر قرابت داشته باشند و ممکن است قرابت اشخاص با یکدیگر از خط غیر مستقیم و خط اطراف بوده باشد که بالاخره قرابت آنها بواسطه کسی که نسب مجموع آنها باو منتهی میشود صورت گیرد مثل قرابت برادرزاده با عم و عمویا برادر زاده یا قرابت خواهرزاده با دائی خود و امثال اینها .

چنانکه گفته شد افراد قرابت نسبی بسیار است و البته مزاجت و نکاح همه افراد آن با یکدیگر ممنوع و غیر قانونی نیست فقط پنج صنف از آنها هستند که قانون - ازدواج آنها را با یکدیگر ممنوع و در صورت وجود یکی از این قرابت های پنجگانه در میان دو زن و مردان زن و مرد را از ازدواج باهمدیگر محروم و آن قرابت را مانع ازدواج قرار داده است .

خواهر است و آنها دخترها و زنهایی هستند که نسب آنها بواسطه تولد مع الواسطه پدیر و مادر یا یکی از پدیر و مادر شخص منتهی میشود - مثل خواهر پدیری و مادری یا خواهر پدیری - خواهر مادری دختر یکی از آنها - دختر پسر یکی از آنها و غیره که همه اینها مانند خواهر بوده و ازدواج با آنها ممنوع میباشد.

فصل پنجم

از محرمات نسبی عمه ها هر چه بالا بروند

و آنها عبارت از خواهران مردهائی هستند که شخص از او بوجود آمده خواه بلاواسطه مثل خواهر بلاواسطه پدیر که عمه بلاواسطه شخص است یا مع الواسطه مانند عمه پدیر، خواه از طرف پدیر و مادر بوده که آنرا عمه تنی و پدیر و مادری میگویند و خواه از طرف یکی از آنها که آنرا عمه پدیری و یا عمه مادری می نامند بنابراین عمه خود پدیر و عمه خود مادری و همچنین عمه های اجداد و جد هائیز عمه مع الواسطه محسوب و جزء محرمات نسبی خواهند بود بخلاف عمه عمه ها که آنها در بعضی از فروع جزء محرمات نبوده و عمه شخص نمیشوند.

فصل ششم

خاله ها هر چه بالا بروند جزء محرمات نسبی هستند

و بخواهران زنهایی اطلاق میشود که شخص از آنها متولد شده و یا بوجود آمده باشد اعم از اینکه بلاواسطه باشد مثل خاله خود شخص یعنی خواهر مادرش و یا مع الواسطه مانند خاله پدیر و خاله مادر - و خاله خاله جد و جد و غیره گاهی خاله خاله پدیری است مثل خواهر مادر پدیر و گاهی خاله مادری است مثل خواهر مادر مادر - خاله خاله ها هم گر چه ممکن است بعضی اوقات جزء محرمات نسبی باشند ولی اینها جزء خاله ها نبوده و داخل این صنف نمیشوند.

قانونی که راجع بحرمات اناث بذکور بیان شد عیناً برای حرمت ذکور باناث نیز مقرر است - همینطور که پدیر نمیتواند دختر خود را ازدواج کند دختر نیز بالملازمه نخواهد توانست با پدیرش ازدواج نماید و کما اینکه هیچ برادری با ازدواج خواهرش نمیتواند اقدام نماید خواهر نیز نمیتواند مبادرت بمزاجت با برادر خود نماید - قانون کلی اساسی که

نامبرده است نه ذکور و حرمت ذکور باناث ملازم حرمت اناث به ذکور است زیرا وقتی گفته شد ازدواج با خواهر ممنوع است معین است که ازدواج خواهر با برادر نیز حرام است - یا اگر گفتیم مزاجت با مادران غیر قانونی است مسلم است نکاح مادران با فرزند هم غیر مجاز است و قس علیهذا و با هم در اینجا بشرح صنف اناث میپردازیم.

فصل دوم

مادر و جد ه ها هر چه بالا بروند

چنانکه خود مادر از جمله محرمات بوده و ازدواج با او برای فرزندش ممنوع است همینطور ازدواج شخص با جد ه های مادری و جد ه های پدیری یعنی با مادر و مادر پدیر - مادر مادر مادر - مادر مادر پدیر - مادر پدیر مادر - مادر پدیر نیز ممنوع است بعبارة اخری هر زنی که شخص از او متولد شده و بانسب او بواسطه ولادت از طرف پدیر یا مادر بطور نصاب بان زن منتهی میشود آن زن با حرام بوده و جزء محرمات نسبی او محسوب میشود.

فصل سوم

دختران هر چه پائین بروند

نظر مقنن بر این است که نه تنها ازدواج دختر برای پدر حرام است بلکه هم خود دختر و هم دخترانیکه از آن دختر یا از پسر او بوجود آمده و نسب آنها ولو بواسطه چندی هم بعلمت تولد بخود شخص برسد از قبیل «دختر دختر یا دختر پسر - یا دختر پسر دختر - یا دختر پسر پسر - یا دختر دختر دختر» برای شخص حرام و ازدواج با آنها ممنوع است - بالاخره کلیه دخترانی که برای انسان دختر یا نوه یا نتیجه بشمار میرود ازدواج او با آنها صورت قانونی ندارد.

فصل چهارم

خواهران و دختران آنها هر چه پائین بروند

نسبت خواهری یکی از موانع ازدواج است ولی تنها خود خواهر نیست که ازدواج او برای شخص ممنوع است بلکه کسانی هم هستند که ازدواج با آنها در حکم ازدواج با

برای حرمت اقربای نسبی در نظر گرفته شده این است که ازدواج با کلیه اقربای نسبی حرام و ممنوع است غیر از اولاد عم و عمه و دائی و خاله که نکاح با آنها جایز و ممنوعیت قلموبی ندارد. این بود خلاصه از حرمت ازدواج با اقربای نسبی

بحث دوم - در رضاع

(ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی)

فصل اول - در رضاع و معنای آن

رضاع در لغت بمعنی شیر دادن و شیر خوردن است ولی ارضاع تنها بمعنی شیر دادن است و در اصطلاح حقوقی رضاع عبارت از این است زنی طفل غیر را شیر دهد و این شیر دادن ایجاد قرابت و خویشاوندی میان زن شیر ده و طفل شیر خوار و اقربای طرفین نماید که در نتیجه ازدواج آنها با یکدیگر ممنوع شود. در صورتیکه قبل از اینکه این زن بآن طفل شیر داده باشد هیچگونه علتی برای حرمت ازدواج میان این زن و طفل و اقربای این دو نبوده است و ازدواج آنها با یکدیگر مباح و مجاز بوده.

فصل دوم - در قانون کلی حرمت رضاع

قانون کلی و اساسی حرمت رضاع این است: هر سببی که در قرابت نسبی موجب حرمت ازدواج طرفین بوده در قرابت رضاعی هم همان رابطه و سبب ایجاد حرمت می نماید. چنانکه در قرابت نسبی ازدواج با مادر و جد و عمه ها و خواهران و خواهر زادگان و برادر زادگان و عمه ها و خاله ها ممنوع است در قرابت رضاعی هم ازدواج با مادر و جد و عمه ها و خواهر و خواهر زادگان و برادر زادگان و عمه ها و خاله های رضاعی حرام و غیر مجاز است. عقد نکاح واقع میان اقربای رضاعی مزبوره مثل عقد نکاحی است که در میان اقربای نسبی نامبرده واقع میشود و هر دو از حیث بطلان و فساد و از جهت اینکه هیچیک از آنها دارای هیچگونه آثار قانونی نیستند مساوی و در حکم واحد میباشند مثلاً مزاجت خواهر نسبی با برادر نسبی باطل است ازدواج خواهر رضاعی با برادر رضاعی نیز باطل و محکوم بفساد

است و قس علیهذا و اینمعنی را قانون مدنی در ماده مزبوره باین عبارت می گوید (قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است)

فصل سوم - در اقربای رضاعی

مادر رضاعی تو زنی است که مستقیماً تو را شیر داده و یا کسی را که نسب تو با او میرسد شیر داده باشد ام از اینکه آن کس مرد باشد یا زن - همچنین زنی که نسب زن شیر دهنده یا نسب مرد صاحب شیری که تو از آن ارتضاع نموده بآن زن میرسد مادر رضاعی تو محسوب است خواهران این زنها که مادر رضاعی تو هستند برای تو خاله رضاعی و برادر ایشان دائی رضاعی و پدر ایشان جد رضاعی میباشند کما اینکه پسر زنیکه تو از پستان او شیر خورده برادر رضاعی تو است و دخترش خواهر رضاعی و خواهرش خاله رضاعی دختر رضاعی تو دختری است شیریرا که ماک تو بوده خورده یا از شیری که متعلق به پسران تو بوده است ارتضاع کرده همچنین دختری که از پستان زن یا از پستان دختران زن شیر خورده و کلیه دختران نسبی و رضاعی این اشخاص دختر رضاعی تو است. عمه ها و خاله های رضاعی شخص عبارت است از خواهران (فحل) یعنی مرد صاحب شیر و خواهران زنیکه باو شیر میدهد خواه خواهر رضاعی آنها باشند یا خواهر نسبی خواهران نسبی و رضاعی پدران و مادران این اشخاص و خواهران نسبی و رضاعی کلیه کسانیکه دو نفر مزبور از آنها بوجود آمده اند و همچنین زنهاییکه یکی از جد و عمه های تو او را شیر داده یا از شیر یکی از اجداد تو ارتضاع نموده اند جزء خواهران رضاعی میباشند دختر برادر و دختر خواهر رضاعی دخترانی هستند که از اولاد مرد صاحب شیر متولد شده یا از فرزندان زن مرضه شخص بوجود آمده باشند و کذا زنیکه خواهر یا دختر خواهر تو او را شیر داده و همچنین دختران هر مردیکه شیر مادر تو را خورده یا مادر تو او را شیر داده است